



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# عقل و آخر الزمان

صر الله حكمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عقل و آخر الزمان

نویسنده:

صرالله حکمت

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... عقل و آخرالزمان
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... عقل و آخرالزمان
۱۰	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## عقل و آخرالزمان

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران

سرشناسه: حکمت، صراالله

عنوان و نام پدیدآور: عقل و آخرالزمان/صراالله حکمت

منشأ مقاله: موعود، ش ۱۰۲، مرداد ۱۳۸۸: ص ۴۸ - ۵۲

توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

توصیفگر: آخرالزمان

توصیفگر: خردگرایی

### عقل و آخرالزمان

عقل با تمام شکوه، عظمت و جایگاه برجسته‌ای که در حیات انسان دارد، موهبتی است از جانب خداوند و حقیقتی ست با دو چهره: چهره اقبال به حق و چهره ادبار به حق. چهره اقبال عقل، در سعی و تلاش انسان برای اتصال به حق، و ایمان به غیب تجلی کرده و ارتباط انسان را با لازمان و ابدیت تحقق می‌بخشد. اما، چهره ادبار او به حق، با وقوع در زمان (عصر) و زیان (خسر) ترسیم شده و با اغوای شیطان استمرار یافته است. این عقل ادبار که - جایگاه نفوذ شیطان است، با زمان گره خورده و تاریخ بشری را رقم زده - اکنون پس از پشت سر نهادن فراز و نشیبهای بسیار، در آستانه پایان خود قرار دارد و چون عقل به پایان رسد، زمان فانی به پایان می‌رسد و آخرالزمان یعنی آخرالعقل. تعارض درونی عقل ادبار امروزه پس از عبور از پیچ و خم قرن‌ها، کسب تجارب فراوان، پس از پشت سر نهادن تحولات دوران پرماجرایی خلق و وضع که اوج شکوفایی و اقتدار او بوده است، و بعد از پیمودن تمام راههایی که محتمل بود بتواند استقلال و سیطره فراگیر و دائمی او را تامین کند و برای انسان معرض از حق، مدینه فاضله و بهشت زمینی بسازد؛ بیش از همیشه آشکارا و برملا شده است. نشان هویدایی این تعارض، نواندیشی و نوآوری پرشتاب عقل است. چاره‌اندیشی بی‌وقفه عقل واقع در بحران، حکایت از سرگشتگی و اضطراب درونی او می‌کند. این بحران سخن از پایان عقلانیت و سقوط نهایی او دارد. به این نکته باید توجه کرد که تحولات و تطورات عقل با نوآوریهای او تفاوت دارد. عقل در درون آن دو دوران کلی خود - دوران کشف و دوران وضع - ادوار و اعصار مختلفی را تجربه کرده و منازل بسیاری را پشت سر نهاده است. تطور عقل یعنی خروج اضطرابی او از یک منزل - بر اثر رسیدن به بن‌بست - و ورودش به منزلی دیگر و نوآوریهای او یعنی تلاش برای مستور کردن بحران درونی یک منزل. امروز عقل قرن بیستم پس از عبور از آخرین دوره تحول دوران وضع و جعل، در میانه بحرانی همه‌جانبه و فراگیر گرفتار آمده است. نواندیشی و نوآوری مدام و لحظه به لحظه او نه حکایت از شادابی و خرمی که نشان از ویرانی و آشفتگی دارد. او باید مدام پاسخگوی پرسشها، تقاضاها و توقعات فزاینده باشد و از این رو همواره باید امر جدیدی ارائه کند و برای این تجدد دائم، به کشفیات علمی و اطلاعات تجربی تازه نیازمند است و همین علم و اطلاع روزافزون - و محصولات آن - بر شتاب زمان افزوده است. و در نتیجه روز و ماه و سال امروز سرعت و شتابی بمراتب بیشتر و افزونتر از روزها و سالهای قرون گذشته دارد. زمان در گرداب سرعتی تب‌آلوده و شتابی سرسام‌آور افتاده و بی‌مقصد و کور بر گرد خود می‌چرخد و با سرعت تمام به پایان خود نزدیک می‌شود. پایان زمان یعنی به نهایت رسیدن تمام راههای مولود علم و ادراک بشری؛ و آخرالزمان یعنی آخرالعقل. آنجا که عقل ادبار - پس از هزاران سال تلاش و جد و جهد برای معماری بنای استقلال انسان و انفکاک او از حق - به بن‌بست می‌رسد،

زمان فانی نیز بی‌وجه می‌شود و ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهد. همپا و همراه عقل، زمان نیز خسته و فرسوده می‌گردد. با این عقل فرسوده و از نفس افتاده، و درون این زمان ناتوان و هویت از کف داده، چهره خسران آدمی بیشتر و بیشتر هویدا می‌شود. در چنین وضعیتی است که ماهیت فسادانگیز و فسق‌افروز ادبار به حق، عیان و حقیقت عقل و زمان برملا خواهد شد. تاریخ عقل ادبار، سراسر جهل مضاعف و مشدد در باب حقایق هستی بوده است. پافشاری او بر این جهل زمخت، بر امتداد تاریخ و بر حجابهای او افزوده است. اکنون این عقل پس از طی دوره تجدد، در زائده‌ای پس از تجدد قرار گرفته، بنای ایمان به عقل متزلزل شده و پایه‌های عمارت و امارت عقلانیت در حال فروریختن است. غایت و نهایت عقلانیت که اعتراف به جهل و اقرار به نادانی یعنی خروج از ظلمت جهل مرکب است، امروز در حال تحقق است. در این نقطه پایانی که تمام استعدادهای عقل فعلیت یافته و همه بذره‌های نهفته در ذاتش شکفته شده و به برگ و بار نشسته و عقل نتوانسته آرمانشهر موعود را در زمین بیافریند، و بت عقل در دل آدمیان شکسته، و آنان رفته‌رفته به وادی جهل بسیط قدم نهاده‌اند و دو راه در برابر آنان گشوده است. این دوره نهایی، در حقیقت تبلور کل دوره‌هایی است که از آغاز تاریخ در برابر انسان وجود داشته و انسان امروز وارث آن شده است. این دوره، دوره خاک و خداست؛ یکی از آنها آخرین مرتبه هبوط آدمی از خدا به خاک یعنی سقوط و انحطاط نهایی او را متحقق می‌کند و دیگری آخرین سرمنزل صعود انسان از خاک به خداست. این دوره، دوره آخرالزمان است و هر یک از آنها آخرین خطوط سیمای دوگانه بشری را ترسیم می‌کند و جملات پایانی، و سرنوشت دو کتاب را رقم می‌زند. کتاب ادبار، غفلت، خسران، زمان، شیطان، جبر و اضطراب و صحیفه عشق، ایمان، تفکر، آزادی، عمل صالح و انتظار. این دوره، دوره فراگیری است که تمام راههای موجود، در ذیل یکی از آن دو حل و هضم می‌شود و مندرج است. این دو راه عبارتند از: راه شرق و راه غرب. مرادم شرق و غرب جغرافیایی نیست. راه شرق و حکمت مشرقی و ایمان یعنی راه اقبال و به شمس حقیقت، رویکرد به نور، توجه به حق، شستشوی خویش در کوثر عشق و ایمان، زدودن و ستردن غبار جهل و ملال با زلال وصال، و گشودن روزنه‌های دنیای انسان به ساحت غیب. و راه غرب و تعقل مغربی یعنی راه افول و غروب خورشید حقیقت، ادبار به نور، نیست‌انگاری و رویکرد به عدم، و گام‌زدن در راهی که به سوی اضطراب مطلق - که تجسد نهایی جبر خشن تاریخ است - منتهی می‌شود. راه غرب راهی است که به پایان قرن بیستم رسیده و در تدارک ورودی پرهول و هراس به قرن بیست و یکم است. راه غرب را قرن بیستمی‌ها می‌روند و آنها کسانی هستند که یک رویداد موازی عظیم در تاریخ عقل را ندیده انگاشته‌اند؛ یعنی ظهور پیامبر اسلام را. اگر این نظریه را بپذیریم که حضور پیامبران در طول تاریخ، پدیده‌ای است مقارن و موازی با تحولات عقل - تا به عنوان حجت‌های ظاهری، مردم هر عصر را دسگیری و بر مکر شیطان آگاه کنند - در آن صورت ندیده گرفتن آخرین پیامبر، مولود غفلت و ناآگاهی از سازوکار حرکت عقل در تاریخ و بی‌توجهی به آخرین تحولات اساسی عقل، و مؤدی به توغل در عقل‌زدگی و استمرار بخشیدن به راهی است که ادبار به حق را در پایان قرن بیستم تحویل قرن بیست و یکم می‌دهد. فرهنگ و اخلاق مسلط قرن بیستمی، فرهنگ گسست تام و تمام از حق، و در واقع فرهنگ بی‌فرهنگی است؛ فرهنگ و اخلاقی است که یک حقیقت ره‌آموز و سرنوشت‌ساز را در تاریخ، مسکوت نهاده و بدین ترتیب هویت تاریخی خود را گم کرده است و از این رو برای جبران این خسارت عظیم، به سلطه‌جویی و اقتدارطلبی گراییده و با نیروهای اهریمنی معامله کرده است؛ یعنی نفیس‌ترین و ضروری‌ترین لوازم حیات و گرانبهاترین اموری که برای ادامه حیات انسانی خود به آنها نیاز مبرم داشته، فروخته و با بهای ناچیز و ثمن بخشی که از این راه به کف آورده، به ابتیاع علم و اطلاعات و ابزار و ادواتی پرداخته است که بتواند اقتدار او را تامین، و شکنندگی و آسیب‌پذیری‌اش را در برابر صدها خطر و بلیه‌ای که در کمین اوست، ترمیم کند، غافل از اینکه در این داد و ستد از یک سو فقط ابزار و وسایل حیات را به کف آورده و اصل حیات انسانی خود را از دست داده و از سوی دیگر دل به قدرت و سلطه‌ای خوش کرده که چون حقیقی نیست، یعنی از آبخشور قدرت لایزال حق سیراب نشده بل مولود سراب قدرت اهریمنی است و آدمی پیش از پرکردن ظرف وجودی خود از حق، آن را تملک کرده، تبدیل

به کابوسی مخوف گردیده و آدمی را محکوم قدرت دست پرورده خود ساخته است. راه غرب، راه جبر تاریخ و اضطراب و درماندگی ذاتی عقل ادبار است. در این راه چون آدمی محکوم قدرت اهریمنی است که هیچ اراده و اختیاری از خود ندارد. در اینجا انسان بسته زنجیر زمان است و برای کسی که در غل حرکت تاریخ گرفتار افتاده، آینده نیز همانند گذشته بسته و ضروری است. برای کسی که در راه اعراض از حق گام می‌زند، هیچ افقی جز هیچستان لم یزرع انحطاط و فسق وجود ندارد. برای راهیان راه غرب، عالم با همه وسعت مسدود است و زمین با تمام گستردگی، تنگ و تاریک و مظلوم. در چنین وضعیتی عقل تنزل می‌کند و نشانه‌های این تنزل را می‌توان در رویکرد عقل به واقعیتهای حقیر و پست مشاهده کرد. عقلی که در اوج آسمانها پرواز می‌کرد و ترانه مابعدالطبیعه می‌سرود و در زمین و زمان پر می‌کشید و کل حوزه ادراک را زیر بال و پر داشت، چنان به حسیض ذلت و حقارت فرود آمده که سر از بستر خواب، مطالعه و کندوکاو در ابتدایی‌ترین غرایز انسان در آورده است. آینه این حقارت و آشفتگی، زبان است. سراسیمگی، سرگشتگی و بی‌هویتی عقل و زمان را در آینه زبان به عیان می‌توان مشاهده کرد. زبان بی‌هویت، تلاش می‌کند که زیان بر ملا شده آدمی را همچنان پنهان دارد. زیبایی، رعنائی، هنر، تقویت صوت، امواج، صنعت، علوم، پرگویی، اسراف در مصرف الفاظ و هر چیز دیگر، به خدمت زبان در آمده تا او بتواند خسران وقوع انسان در شتاب مهار گسیخته زمان را مستور کند؛ اما زبان نیز همانند زمان و عقل، پیر و شکسته و فرتوت شده و قادر نیست ماهیت خسران را در پوششهای رنگارنگ خوشبختی پنهان کند و بر زخم اضطراب و التهاب انسان، مرهمی نهد. دیگر هیچ قدرت بشری نمی‌تواند در برابر سیل سدشکسته انحطاط مقاومت کند. آلودگی و فساد با شتابی روزافزون سراسر کره زمین را تهدید می‌کند و در خشکی و دریا پیش می‌رود و محیط زیست جسمانی و روحانی بشر را به زیر سلطه خود می‌کشد و هیچ نقطه‌ای در امان نیست. زمان و مکان آلوده گناه و فسق آدمیزاده شده، همه چیز محکوم آن گردیده و غایت سیاه تاریخ نزدیک به تحقق است. کسانی که دیدگاه شیعی در باب غایت تاریخ را بدینی می‌دانند از یک طرف چشمانشان را بسته‌اند و آنچه را اتفاق افتاده است نمی‌بینند و از طرف دیگر، از پیش قضاوت کرده‌اند و می‌خواهند که ما خوشبینانه به پایان تاریخ بنگریم. وقتی از اقتدار انفعالی و فراگیر انسان بر خاک سخن می‌رود، در حقیقت، نغمه شوم حکومت و سیطره خاک بر انسان سروده شده است. آنچه شیعه می‌گوید نه بدینی است، نه خوشبینی و نه واقع‌بینی؛ چرا که این گونه نگریستن‌ها همه در حیطه انفعال و خضوع در برابر خاک معنی دارد. قول شیعه بر اساس حقیقتی است؛ یعنی اگر نبود تشعشع حکمت ایمانی و اگر نبود نظر کردن در پرتو انوار الهی - که به ما جهانی دیگر را نشان می‌دهد و با ما سخن از عوالم غیب می‌گوید که رهرو غرب از آن بیگانه است و ما را دعوت به ماندن در دخمه دنیای مشهود می‌کند - هر کس تمایل داشت که مسحور و مجذوب دستاوردهای پر جاذبه بشر شود، به سمت تمتع، التذاذ، کامجویی و خوشبختی رود، فارغ از هر دغدغه فکری به ستایش و تعظیم محصولات علمی برخیزد و تفکر و ایمان را در معبد شرایع علمی و سیاسی رنگارنگ قربانی کند. ساده‌ترین و هموارترین راه، راه غرب است. همه چیز مهیاست، و همه دواعی و سوائق، ما را بدانسو می‌خواند و سوق می‌دهد. گام‌زدن در این راه، رفتن در جهت جریان آب است، هیچ نگرانی و اندیشه‌ای نمی‌طلبد، آوازه و شهرتش جهانگیر، و انقیاد و تسلیم در برابر او باب روز است و مطلوب و مورد پسند اکثر مردم. راه غرب راه توغل در تکثیر و فرورفتن مدام در کثرات است. پشت کردن به نور و دور شدن از آن، اقتدا به کثرت سایه‌هاست و مؤدی به اصالت دادن به کثرات اشباح و اظلال، و اعراض از وحدت را در پی دارد. کسی که در این راه قدم برمی‌دارد، از آنجا که چشمی کثرت بین دارد، حل تمام مسائل و مشکلات را تنها در میانه کثرات می‌جوید و در واقع تمام کوشش او مصروف تکثیر و تقطیع عالم و تکه‌تکه کردن حقیقت است. قرن بیستمی‌ها در هیاهوی کثرت فرو رفته و قادر نیستند کثرت را با وحدت جمع کنند و در زیر لایه‌های کثرات جاری، بستر واحد این جریان را ببینند، تا آنجا که تبدیل به انسانهای یک‌چشمی شده‌اند و چشم دیگر خود را از کف داده‌اند؛ چشم راست را. از نشانه‌های آخرالزمان ظهور دجال است؛ دجالی که چشم راستش ممسوح است و از میان رفته و چشم چپ او بر پیشانی‌اش جای دارد. راه شرق اما راه قرن پانزدهم است.



تقویم راستین مشرقیان که سطر سطر صحیفه حیات، فرهنگ، تفکر، اخلاق، عشق و ایمان راهیان مشرق با آن رقم خورده، تقویم هجری قمری است. این تقویم، تقویم کسانی است که آگاهانه در شب تاریک و مظلم، و یلدای بلند حیات بشری می‌زیند و در غیاب خورشید حق، دل با اشراق و بازتاب آن، خوش می‌دارند؛ با قمر. این راه، راهی است ناهموار و پرسنگلاخ که رهرو در هیچ قدمش از سنگ‌اندازی شیاطین در امان نیست و پیمودنش بی‌عنایت حق، مقدور، نه. همتی مردانه می‌طلبد، سینه‌ای به پهنای آسمان، قلبی گشوده به آفاق هستی، شوقی پرکشیده تاستیغ غیب، عزمی استوار، و عشق و صبوری و ایمانی که بتوان هر بلایی را در این راه تحمل کرد. قرن پانزدهمی‌ها مستضعفان زمین‌اند و وارثان لمعات آفتاب حق. آنان - گرچه در نظر قرن بیستمی‌ها بی‌فرهنگ، بی‌تاریخ، بی‌هویت، و اهل واپس ماندگی‌اند اما - در حقیقت پیشروان راه نجات انسان‌اند و اگر قدر و قیمت خود را بدانند، مرعوب یا مفتون شکوه و رعنائی مغربیان نشوند، والایه‌های خویش را بیابند و به خویشتن بازگردند، برای امروز سرگشته و فردای سردرگم راهیان راه غرب، باید فرهنگ، ادب، اخلاق، تفکر، عشق و ایمان به ارمغان ببرند. راه شرق، راه انتظار است؛ رهرو این راه همواره منتظر است و چشم به راه خورشید. می‌داند که در غیاب خورشید زندگی می‌کند؛ و در عین حال می‌داند که حتی در این شب ظلمانی اگر خورشید نمی‌بود او نمی‌توانست تنفس کند. خورشید غایب است نه معدوم؛ و این را کسی در می‌یابد که شبها سر به آسمان بردارد و بازتاب آن را نظاره کند. انتظار یعنی آگاهی از جایگاه وجودی انسان - میان خاک و خدا - و عمل متناسب با آن در عصر غیبت. انتظار، نماز وجودی عصر غیبت است. انتظار، تجلی ایمان و تقواست. انتظار یعنی انفتاح و انسداد؛ انفتاح در برابر غیب که نتیجه‌اش تذکر، تفکر و یاد آفتاب است؛ و انسداد در برابر تمام امور و عواملی که می‌کوشند تا ما همواره شب‌زدگان شبستان تاریخ بمانیم، تاریکی و ظلمت حاکم بر غیاب خورشید را باور کنیم و ماه و ستاره را ندیده انگاریم. انتظار یعنی پرکردن جام نگاه از خم عشق و اشتیاق، و قبول و انفعال در برابر حق، و فاعلیت و حاکمیت بر هر آنچه دون مرتبه انسان است. انتظار اوج عصیان و سرکشی عقل اقبال در مقابل دنیای محدود متناهی و حقیر علم و ادراک بشری، و مقتضیات زمان و زمانه است. انتظار، دل‌سپردن به امام زمان و دل‌بریدن از ماموم زمان است. راه شرق، راه آزادی تاریخ است. آزادی انسان تنها با پشتوانه ایمان به غیب تحقق می‌یابد و آنجا که متکای ایمان به غیب نباشد و آدمی فقط در گستره علم و اطلاع خود زندگی کند، هر گونه سخن از آزادی فریب و سرابی بیش نیست. از این رو حریت و آزادی حقیقی انسان تنها در راه شرق می‌تواند متحقق شود و در آن راه است که او از هر قید و بندی رها می‌گردد الا عبودیت حق. به تبع آزادی انسان در راه شرق و در انتظار حقیقت، تاریخ نیز از غل و زنجیر جبر و اضطراب آزاد می‌شود. در این ساحت است که گذشته نیز همانند آینده مفتوح و باز است. ایمان به غیب و انتظار عصر غیبت همچون نفخ صوری در گذشته مرده و بیجان می‌دمد. گذشته جان می‌گیرد، زنده می‌شود، معنی می‌یابد، از گور نمناک و تاریک جبر عقل ادمبار و زمان فانی و گذرا برمی‌خیزد، با ابدیت و لازمان پیوند می‌خورد و رجعت می‌کند و باز می‌گردد. در حوزه عقل اقبال، گذشته‌ای مطلقا بسته و مسدود وجود ندارد. در دامنه‌های عقل اقبال، حتی گذشته‌های دور را می‌توان آبیاری کرد تا جوانه زند، رشد کند و به برگ و بار نشیند. همین جا بحث سنت و تجدد قابل طرح است. در برخی از اذهان ممکن است چنین نشسته باشد که سنت یعنی هر آنچه مشمول مرور زمان قرار گرفته است. چیزی که در چرخه زمان و بر اثر تحول دوران پدید می‌آید، نباید بر آن نام سنت نهاد هر چند قرن‌ها از تولدش بگذرد. سنت چیزی است که از جریان تجدد و تصرف بیرون است. آنچه در زمان پدید آمده و متعلق علم و ادراک بشری بوده به مرور زمان، پیر، کهنسال و فرتوت می‌شود و هیچگاه قابل بازگشت نیست و نمی‌توان آن را تکرار کرد. وقتی سخن از بازگشت به سنت به میان می‌آید هرگز نباید به معنای بازگشت به برهه‌ای از زمان گذشته و مقتضیات آن باشد. بازگشت به سنت یعنی بازگشت به آن چیزی که با ابدیت انسان، و حیث نامتناهی‌اش - که متجلی در پیام‌آوران است - مرتبط و پیوسته است تا بتوان او را از قید و سلسله امور دایم التجدد و متصرم نجات بخشید؛ و تا بتوان او را به بدایت‌ها هدایت کرد و بدین معنی، سنت تحول و تبدل ندارد. اگر قرار باشد کسی به سنت‌های زمانی بازگردد، در این صورت همه سنت‌های گذشته در

«گذشته بودن مساوی‌اند و ترجیح یکی از آنها، ترجیح بلامرجح است. وقتی صحبت از قرن پانزدهم به میان می‌آید، یعنی قرنی که هرکس در آن زندگی می‌کند و نفس می‌کشد وابسته به سنتی است برخاسته از یک مبدا ابدی و لایتغیر. خود این مبدا گرچه به لحاظ ظاهری و به موازات رشد، شکوفایی و تحولات عقلانی بشر، ادامه و استمرار یک سنت بی‌بدیل است که از آغاز هبوط آدم شروع شده، لذا خود این مبدا نیز دارای مبادی است، اما در باطن، مبدا این سنت - یعنی سنت قرن پانزدهمی - مبداالمبادی است؛ یعنی وقتی گل آدم را می‌سرشتند، آب این گل را از آن سرچشمه برداشتند. پیامبری پیامبر خاتم پیش از آدمیت آدم بود. بنابراین سنت قرن پانزدهم سنت وجودی انسان، یعنی استمرار سنتی است که همه پیامبران، صالحان، متفکران، حکیمان و شاعران آزاده در طول تاریخ به آن سنت تعلق دارند. اینان در حقیقت ایات قصیده بلند عشق، ایمان و آزادی‌اند که همیشه از ناحیه مقتدران و خودکامگان تاریخ ادبار مورد ستم و جفا بوده‌اند. با تمام تحولات و تطورات و دگرگونی‌هایی که در طول تاریخ عقل ادبار به وقوع پیوسته و با آنکه چهره‌های ادبار، دارای اشکال و اطوار متعدد، متنوع و بی‌شمار بوده‌اند، سیمای برجستگان اهل ایمان و منادیان اقبال به حق همواره یکسان و لایتغیر بوده و یک سخن بیش نداشته‌اند. اینان همواره غریب، تنها، آواره و مظلوم بوده‌اند. معشوق و محبوب اهل ایمان، و مقصد و مراد از همه منظومه‌های عاشقانه و تمام تغزلات و مغازلات هم اینانند. اینان غربای تاریخ‌اند و مجنون برای غربت آنها گریه می‌کند. این خط غربت تاریخی از آغاز هبوط آدم تا امروز، یعنی تا قرن پانزدهم ادامه دارد؛ و تا زمان زمانیات، و عقلانیت و تاریخیت بر سرنوشت بشر حکومت می‌کند، غربای تاریخ در غیبت‌اند. اوج غربت حقیقت، امام زمان است که نه تنها در میان مامومان زمان و منکران، بل در میانه معتقدان به او نیز غریب است. امروز حقیقت در نهایت غربت و تنها به سر می‌برد. آنگاه که امام زمان، یعنی کسی که نه تابع و خادم زمان بل متبوع و مخدوم زمان است، ظهور کند، زمام زمان را در دست می‌گیرد و این بی‌پناه مهار گسیخته ملت‌ها را از شتاب و جنون نجات می‌دهد، تا آرام و قرار یابد. وقتی زمان بیقرار، قرار یافت و دست در دستان امام خویش نهاد، تمام غربای تاریخ - همه پیامبران، امامان، صالحان و ابرار - رجعت خواهند کرد و معنای نهفته و مستور تاریخ آشکار و عیان خواهد شد. اینک آنکه خود را از قبله عشاق می‌داند و دریافته است که از این جمع، مهجور و دور مانده، باید به بوی قبله این قبیله بنالد و به سوی آن نماز گزارد. چو از قبیله عشاق مانده‌ای مهجور دلا - تو مرغ فغانی، به بوی قبله بنالوالحمد لله اولاً و آخراً والسلام علی خلیفه الله فی ارضه حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار - ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

